

کمشتمل بر دو ماده آتی است بسم آقایان برسد
ماده اول - و کلاه فرقه اجتماعون طرفدار
تشکیل کابینه خواهند بود که آنها منسوب باین فرقه
نبوده بلکه تمام احزاب در مسئولیت تکمیل آن
شریک باشند .

ماده دوم این فرقه عدم امکان موفقیت خود را
در تشکیل يك حکومت اجتماعی اعتدالی در مجلس
شورای ملی اعلام می کنند .

و بنا بر این که امروز اکثریت ثابت جزء از هیچ طرف
در مجلس موجود نبوده و با اکثریت مؤتلفه که از احزاب
و بی طرفها سابقاً وجود داشت از ماه قبل باین
طرف معتدل است تشکیل کابینه که متکی و متمند
با اکثریت ثابت حزبی یا اکثریت ائتلافی باشد غیر
ممکن خواهد بود علیهذا ما در تشکیل کابینه فقط
کافی می دانیم که يك نفر رئیس الوزراء که طرفدار

آزادی و استقلال مملکت است اعتماد کرده و نظر
باین اعتماد باحسی ساده و بی طرفانه تشخیص اعضاء آن
را که حقاً وظیفه مخصوص رئیس الوزراء است از ایشان
منتظر باشیم و چون شخصاً آقای مصمص السلطنه

انتخابات عالیه در اظهار مراتب آزادی خواهی و
ملت دوستی و استقلال طلبی بعموم ملت داده اند در
چنین روزی که احتیاج مملکت بوجودی مثل ایشان

که علاوه بر همه قسم شایستگی شخصی اعتماد عمومی
را نسبت بخود جلب کرده اند محسوس است ماها
بریاست وزراء حضرت ایشان که طرف اعتماد اتفاق
نمایندگان ملتند اعتماد دانسته و نظر باین اعتماد

بهر کابینه که ایشان انتخاب و معرفی کنند بیطرفانه
و بدون هیچگونه نظریات جزئی یا ملاحظه روابط
و مناسبات فرقه اظهار اعتماد خواهیم کرد و این کابینه
را هم بیطرفی خواهیم شناخت

رئیس الوزراء - خدمت نمایندگان معترم
عرض میکنم که آقایان دموکرات از ابتداء تا با نهایتا
خراب مکررند این مملکت ما را - اولاً مثل آقای نایب

السلطنه را کاری کردند که الساعه استغفاء داده اند .
رئیس - موقع این نیست که این اظهار را
بهر مائید .

حاج امام جمعه - بگذارید بگوید چرا
نگوید يك کلمه حقی است چرا جلو گیری میکنید .
رئیس - بروید سر جای خودتان بنشینید
بشا اخطار میکنم .

حاج امام جمعه - هر چه میخواهید بکنید
بهمن اخطارها و این ترتیبها مملکت را خراب کردید
رئیس - میگویم بروید سر جای خودتان
بنشینید افشاش نکن

هتین السلطنه - بنده باین ترتیب متعزیم
چه عرض کنم ولی چون اجازه گرفته ام و اجازه برای
عباراتی بود که نسبت بکابینه اظهار شد این است که

بعلم معتصر عرض می کنم بنده و رفقای بنده که در
مرکز هستیم همه از ابتدای تشکیل این مجلس
همیشه نگاهدار و همراه کابینه بوده ایم حالاهم نگاهدار
و همراه این کابینه که بمجلس معرفی شد هستیم و از

برای نگاهداری این اساس به چوچه حاضر نشده ایم
که ملاحظات افراد اعضای کابینه را بکنیم و هر کابینه
که بمجلس مقدس معرفی شده است ما بآن کابینه وره
سند داده ایم و بهمن ملاحظه است که در این موقع

علاوه بر اینکه ریاست این کابینه باشخص آقای
مصمص السلطنه است و آقای سلیمان میرزا هم بخوبی
توضیح دادند در واقع خیلی متشکریم از زحمات و
خدمات شخصی ایشان و افراد ایل جلیل بختیاری و

علاوه بر این اطمینان داریم بایشان و اعضائی را که
ایشان انتخاب کرده اند انسوس که حالا نیستند و
تشریف بردن ایشان هم بیک بدبختی است و ممکن است
منجر بوقایع غیر مترقبه بشود که مزید بر بدبختی های ا

بشود مراعات قانون بسیار خوب است ولی حفظ
اساس مملکت مقدم است بسلامه مراعات قانون را هم
میبایستی همان طوری که قانون حکم میکند بکنند
کابینه وزراء که لایحه قانونی نیست که تجزیه او را بخواهند
و برای افراد آن ها هلیحه رای بگیرند .

رئیس - همچو چیزی گفته نشد اگر هم بنا بود
رای بگیریم بنده باید رای بگیرم و آن طوری رای
میگرفتم هیچ وقت برای يك نفر وزیر رای گرفته نمیشود
و برای کابینه رای گرفته میشود .

هتین السلطنه - بنده چون وزراء همه مسئول
همدیگر هستند باید در حق همه کزن هارای گرفته شود
آقایابی که سابقاً خودشان را باعتبار معرفی کرده اند
وماها که متمایل باعتبار بوده ایم حالاهم حاضر هستیم
ورقه سفید بدهیم .

رئیس - آقای رئیس الوزراء اگر حق نمیکردند
که يك اکثریتی برای ایشان حاضر است تشریف
نمی آوردند و همینطور بنده هم مسبوق بودم که يك عده
رای نخواهند داد و خدمت ایشان عرض کردم و میدانستم
که يك اکثریت خوبی برای ایشان حاضر است و بنا شد
تشریف بیاورند و رای گرفته شود و این راهم عرض

میکند در هیچ پارلمانی دیده نشده است که هیئت وزرائی
بیایند بالاتفاق درباره آن هارای داده شود البته هستند
اشخاص ولو يك نفر یا دو نفر یا سه نفر که اعتماد بآن
کابینه نداشته باشند ولی بنده بآقای رئیس الوزراء عرض
کردم که اطمینان داشته باشید که اکثریت رای خواهند
داد و ایشان هم تشریف آوردند ولی آقای حاج امام

جمعه که واقعاً خیلی افشاش کرده اند گویا حسابات
ایشان باعث شده که این ترتیبات پیش آمده .
نوا والدوله - تمیز حکومت ملی و حکومت
استبدادی این است که در حکومت ملی و قانون مشروطیت
هیچکس جلوی نطق کسی را نمیتواند بگیرد مگر آن
که آن نطق از طریق ادب خارج باشد یا آنکه خارج
از موضوع صحبت باشد آن هم باریست است اما در
خصوص کابینه ما خودمان فرداً فرد وقتی که بمشاوریم
خدمات ایل جلیل بختیاری را آن وقت میبایستیم بآن
ها اعتماد میکنیم . وقتی که رئیس الوزراء معتدلیه
مجلس شد مسلم است وزراء دیگر هم مسئول او
هستند هر کس را قانوناً او معرفی کند طرف اعتماد
است مگر اینکه بگوئیم بخود رئیس الوزراء اطمینان
نداریم امروز مملکت ما طوری است که قوای نظامی
ندارند و بدبختانه فایلاک لفظی باقی است از قوای نظامی
یعنی در گوشه مانده است باین جهت یکی از ایالات
را آورده ایم که برای این مملکت بجای قشون باشند
و همه قسم فداکاری و جانفشانی کردند و در این مدت
دو ساله این مملکت را نگاهداری کردند فرداً این
اساس مشروطیت را در این دو ساله حفظ کردند و
يك عده از آن ها کشته شده است که نمایانم چقدر

است مقتولین آن ها کزای حفظ مشروطیت و استقلال
این مملکت جان داده اند پس در این خصوص وقتی
که يك رئیس الوزرائی که این طور خدمت کرده است
کابینه را بمجلس می آورد اگر یکی از اعضاء آن کابینه
طرف اعتماد جمعی نباشد نباید رئیس الوزراء را برنجانیم
و ملاحظه او را نداشته باشیم باید آن يك نفر را
مسکوت عنه میگذاریم باید رعایت حزم و احتیاط
را داشته باشیم در این موقع که تمام اطراف خطرات
بما متوجه است از داخله و خارجه در اینصورت
باید این مملکت را فرداً فرداً خانمان بدانیم همانطور
که يك نفر در استقلال خانه خودش میکوشد ما هم
بکوشیم نه اینکه بگوئیم بتوجه پن چه ما هاتماماً
باید با هم متفق باشیم ایرانیست و اسلامیت این مملکت
را نگاه بداریم .

رئیس - بجالتاً ده دقیقه تنفس داده میشود .
(مجدداً جلسه يك ساعت و نیم از شب گذشته
متعقد شد با حضور وزراء) .
رئیس - بنا بود بر حسب خواش آقای سلیمان
میرزا در باب هیئت کابینه رای اعتماد با اوراق گرفته شود
قبل از این که جلسه را ختم کنیم رای بگیریم بعد جلسه را
ختم میکنم آقایان بکنه به هیئت وزراء اعتماد دارند
ورقه سفید و آقایان بکنه اعتماد دارند و ورقه سفید
خواهند داد .

(در این موقع شروع باشد رای شده حاج
میرزا رضاخان اوراق رای را باین عده احصاء نمود
ورقه سفید ۴۱ ورقه کبود ۱۸ ورقه بلاسمك) .
رئیس - از شصت نفر نمایندگان حاضر
با اکثریت چهل و يك رای اظهار اعتماد آقایان وزراء
شد چون چیزی در دستور نیست جلسه آتیه را موکول
بروز سه شنبه میکنیم .

رئیس حرکت کرد و مجلس دوساعت از شب
گذشته ختم شد .
جلسه ۳۳۹
صورت جلسه فوق العاده روز جمعه نهم
شهر ذیحجه الحرام ۱۳۳۹
مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر در تحت ریاست
آقای مؤتمن الملک انتخاب شد .

رئیس - خاطر آقایان نمایندگان مسبق
است که چون يك مسئله مهمی پیش آمده است لهذا
آقایان وزراء تقاضای جلسه فوق العاده کرده اند و
وزیر امور خارجه آنرا بیان مینمایند .

وزیر امور خارجه - بطوریکه خاطر
آقایان نمایندگان محترم مطلع است و در مجالس
خصوصی که در این دوره متعقد شده است مذاکره شده
در روز چهارشنبه هتم ذیحجه موقع ظهر يك مراسم
از سفارت روس بوزارت خارجه رسیده است که
عین آنرا سه در مجالس خصوصی خوانده شده است
و خاطر آقایان نمایندگان مسبق شده است برای
اینکه خاطر عموم مطلع باشد عین آنرا سه را هلتاً
فراغت میکنم .

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

در ملاقات جمعه گذشته دوستداران تراًمآ جناب
مستطاب عالی را به سببهایی که بوجوب آن اولیایه
دولت امپراطوری چند تقاضای دیگر با اولیای
دولتی علیه از آن پیشنهاد خواهند مکرر دستف
داشت و در این خصصه من منتظر دستور العمل اولیایه

دولت متبوهه خود بوده الان دستور العمل مزبور بدستدار رسیده و؛ اکمال توقیر از طرف دولت امپراطوری بموجبین مراسله تقاضاهای ذیل را اظهار میدارد اولاً هزل مسیو شوستر و مسیو لکتر دخالت اشخاص دیگر کلا مسیو شوستر آنها را بخدمت دعوت نموده نباید موافق فقره دوم این تقاضا ها وهایت شود - ثانیاً متعهد شدن دولت علیه ایران که اشخاص خارجه را تا اینکه قبلاً رضایت سفارتین روس و انگلیس را تحصیل بکنند بخدمت ایران دعوت ننمایند - ثالثاً پرداختن دولت علیه ایران مخارج لشکرکشی که حالبه بایران شده است مقدار مبلغی که بدولت امپراطوری باید برسد و ترتیب پرداختن آن بعد از وصول جواب دولت علیه بعد مین خواهد شد دستدار تکلیف خود می داند توضیحاً اشعار دارد که جهت این اقدام یکی لزوم و حتم اخذ فرات برای اینکه دولت امپراطوری مجبور بفرستادن لشکر بایران شد و برای اقدامات جدید توهین آمیز مسیو شوستر نسبت بروسیه دیگر میل صمیمی دولت امپراطوری فعلاً رفع کردن اسباب عمده اختلافی که روی داده است و در آینه ایجاد بنائی که دولتین علیه به تواند مناسبت دوستانه و روابط محکم استوار نمایند تمام کارهای روس و مسائلی که بلا انجام هستند به آن هایک انجامی زود و موافق داده شود می باشد علاوه بر مطالب فوق دستدار لزوماً اخطار میکند که دولت امپراطوری بیش از چهل و هشت ساعت برای اجراء تقاضاهای مزبوره منتظر نخواهد بود و در ظرف این مدت عساکر روس در رشت توقف خواهند کرد اگر تا انتقاضی این مدت جوابی نرسد یا جواب غیر مساعدی برسد عساکر مزبوره پیش خواهند آمد و البته این فقره باعث مزید مبلغی که دولت ایران باید بدولت روس بدهد خواهد شد در این موقع احترامات فائقه را نسبت بجناب مستطاب اجل عالی تجدید مینماید. اولاً خاطر نشان آقایان محترم میکنم که قبل از اینکه این مراسله بموجب بعضی علائم و هلامات و بموجب شرحی که در اول این مراسله است که مینویسد در ملاقات روزجمعه بعلت هایکه بموجب آنها دولت امپراطوری تقاضاهای دیگری خواهند کرد از روی این هلائم و وزارت خارجه استنباط کرده بود که یک تقاضاهائی از این قبیل اگر هم آنها را تصور نسبکرد بعضی از آنها را استنباط کرده بود پس میدانست ممکن است که بعضی از این تقاضا ها از دولت علیه ایران بشود نظر باینتمدهه از همان وقت اقداماتیکه تکلیف وزارت خارجه بود چه از حیث سفاربت با دربار های دول و چه از حیث مذاکراتیکه بایستی در طهران بشود شروع کرد و ذره از اقداماتیکه باید بکنند فروگذار نکرد تا موقعی که آن مراسله رسید یعنی ظهر روز چهارشنبه هفتم ذی حجه از آنساعت هم هیئت وزراء صوماً و بنده خصوصاً چه در مجلس شورای ملی و چه در جاهای دیگر برای همین کار مشغول اقدامات بودیم چه مخاربت و چه مذاکراتی که شده است مقصود از این اقداماتی که شد برای دو چیز بود یکی اینکه شاید بتوانیم دولت روس را از این تقاضا هائی که کرده است از همه آنها یا بعضی از آن ها منصرف بکنیم و دیگر اینکه بعضی

جمله های این مراسله که يك ابهامی دارد و مقصود آنطوریکه باینتمدهه شود فهمیده نشود توضیحات بخواهیم که مقصود از آن عبارات چیست آن اقداماتی که برای منصرف شدن دولت روس شده باز تکرار میکنم و عرض میکنم خیلی اقدامات جدی بود بدیخته هیچکدام نتیجه مطلوبه نداد و يك مطلبی که خاطر نمایندگان مسبق هست برای اینکه الان رسیده و در مجلس خصوصی هم فرصت نبود که مذاکره بشود این است که آن را هم عرض میکنم چون وساطت و مذاخله دولت انگلیس را هم مناسب کرده بودیم آخرین کافذیکه از سفارت انگلیس رسیده این است که دال براینکه فوراً این تقاضاها را قبول بکنید و نگذارید تاخیر شود پس معلوم میشود که اقداماتیکه دولت و وزارت خارجه کرده است برای رفع این تقاضاها هیچ مفید نه بوده است و بکلی بی نتیجه مانده است اما آن توضیحاتیکه و آن اقداماتیکه برای رفع مهمات این مراسله خواسته ام این است که در آخر مراسله آنجائیکه علل این اقدامات حالیه دولت روس را ذکر میکنم همچو استنباط میشود که ممکن است تعبیر شود که شاید علاوه بر آن سه خواهش که در اصل ماسله هست بعضی خواهش های دیگر هم از دولت ایران خواهند کرد فعلاً (رفع کردن اسباب عمده اختلافی که روی داده است) یا (ایجاد بنائی که دولتین علیه بتوانند مناسبت دوستانه و روابط محکم را استوار نمایند یا تمام کار های روس و مسائلی که بلا انجام هستند بآن ها يك انجامی زود و موافق داده شود)

در اینجا ممکن بود از این عبارات همچو فهمیده شود که آن شرایط که در این مراسله ذکر شده است علاوه بر آنچه کفایت و تقاضاهای دیگری خواهد بود ولی اقداماتیکه در توضیح اینها کردیم همچو معلوم شد که مطالب دیگری نسبت بلکه دولت روس همچو فرض میکنم که بعد از آنکه آن سه فقره خواهش قبول شد عمده آنها هزل مسیو شوستر است بعد از آن ایجاد آن بناها شده و اختلافات بالضروره مرتفع خواهد شد و خواسته اند بگویند علت تمام این تقاضا ها وجود شوستر است که از وقتی که آمده است شروع کرده است به بعضی اقدامات و سعی کرده است که یک حس عدوان و خصومتی در میان دولتین روس و ایران ایجاد کنند و وقتی آن اختلافات رفع شد آن خصومت هم رفع خواهد شد پس نسبت باین جمله اخیر این توضیحات داده شد و مطمئن شدیم که دیگر اینها يك مطالب دیگری نیست غیر از مطالب اول پس از مطمئن شدن از این توضیحات و مأیوس شدن از نتیجه خوب آن اقدامات اولیه هیئت وزراء در این دوره با کمال دقت مشاورات کرده اند و خیلی خیلی اطراف مسئله را نگاه کرده اند و نتایجی را که از رد یا از قبول این مطالب بتوانند بدولت ایران متوجه بشود قیاس کرده اند و نظر بمسئولیتی که در آینه دارند و نظر باینکه بایستی بمواقف امور بیشتر نظر بیندازند و مسائل فملی و آبی را کمتر محل نظر و طرف اهمیت قرار بدهند و بالاخر این طور رأی داده اند که ضررش کمتر باشد یعنی محظورات کمتر خواهد بود که این سه خواهش دولت روس قبول بشود و این رأی را هیئت وزراء با اتفاق داده اند تا اینکه هر طوریکه نمایندگان کان محترم صلاح میدانند از آن

قرار رفتار بشود.

آقای شیخ محمد خیابانی - از آن ساعتی که این یادداشت دولت روس در مجلس خصوصی خوانده شد و ما اطلاع پیدا کردیم بنده که بکنفر ایرانی هستم هنوز در حالت حیرت و متعجبم بواسطه اینکه جواب اینها را ملاحظه میکنم این یکمده قانونی و از امور عادی نیست که ما در آن مذاکره بکنیم گویا همه آقایان تصدیق داشته باشند و اگر همه عالم حاضر بودند میگفتند و تصدیق میکردند که بعضی مطالب در عالم هست که جواب آنها تقریباً در سصد چهار صد سال قبل داده شده است و در محکمه عالی عالم فضع شده است و آن اینست گویا جواب او را شاید حال و وضع روزگار میدهد از آنجائی که هر شوالی را يك جوابی باید داد يك جوابی که خیلی معنویت دارد باید در الفاظ اداره شود اینکه بنده چند کلمه مختصر لابد در جواب آنها عرض کنم و عرض کردم این جواب را اگر تمام عالم اینجا بودند تصدیق میکردند که جوابش چندین صدسال قبل داده شده است و آن این است وقتی که در این عالم بنی آدم تولید شده اند و بنای زندگانی و معیشت و گذران را گذاشته معلوم است يك عصری بوده عصر بدویت و وحشیت باین معنی که جبلی هرانسان و فطری هر انسان این بود که هر منافعی که نسبت بخودش میداند بخودش جلب کند و مقررات را از خودش دور کند و این هم منجر میشد یعنی منتهی میشد باغشاش عالم و نظام عالم بهم میزد چندین هزار سال قبل همان اسانها مجتمع شدند و برای ترتیب نظم فکرها کردند که من نباید حالا تفصیل بدهم و تشکیل حکومت دادند و این حکومت ها از آن روز شده یعنی هرانسانی هر منفعتی را که بخودش میخواهد جلب کند و دفع مضرات را از خودش بکند تجاوز از حد خودش نکند و بحق خود قانع باشد برای همین کار تشکیل حکومت ملی و تشکیل حکومت اجتماعی کردند که هر کس قانع بحق خودش باشد و این مسئله هم تاحندنی نرح بنافته بود همان عادت فطری و آن خصلت خیلی در مردم هنوز بود و آن اجتماعات درست اجرائبت پیدا نکرده بود و بطور صحیح در عالم اجراء نمیشد یعنی همان حکومت هاهم همانطور بودند میرفتند فارت میکردند همان اقداماتی را که يك فرد میکرد حکومتها هم میکردند و در تبدیل يك ملت دیگری سعی و کوشش میکردند ولی خوشبختانه مادر بکوفتی و قرنی بدنیا آمده ایم که بدیدیم آن تعدیات را اسلاف ما از روی زمین برچیده اند و آن اساس را منهدم کرده اند یعنی نشسته اند تمام اهل عالم يك قراری بین خودشان گذاشته اند که دیگر آن تعدیات نشود یعنی يك قوانین بین المللی و حقوقی گذاشته اند و تمام عالم آن قانون را تصدیق کرده اند که نباید از آن تعطلی شود و آن قانون تا بحال مجری است و روز بروز در استحکام و استوار است پس این است که اگر يك کسی به بیند در حقوق شخصی که منحصر بخودش است یا در يك حقوق اشتراکی که او در اوجق رأی دارد اگر دیديك شوالی شد از او یعنی يك تکلیفی شد بر او (که آن تکلیف بایستی هزار سال قبل بشود نه در این عصر سزوار است که بگوید جواب این چهار صد سال قبل داده شده است و با کمال احترام

مؤنذرت بخواند و بگوید که این تقاضای شما خلاف آن ماهدات و خلاف آن عهد هائی است که در عالم بسته شده است حالا آیدم بر سر این تقاضا هائی که از طرف دولت روس از دولت ایران شده است که آن چند فقره است شاید آقایان دیگر هم شرح بدهند و مذاکره نمایند همانطوریکه بنده هم کردم مطالب را بطور کلی عرض خواهم کرد که این اهتزاز از چه راه استعمین است آنکه در عالم قرارداد شده و ختم گردیده آنستکه این بود که هر کس مالک باشد یک چیزی که آنچه جزو مملکت بود بر طبق مشروطی است منتقل بناو شده باید حق خودش را که بطریق مشروعی باو منتقل شده است بتواند حفظ و نگاهداری کند و در او تصرفات مالکانه بکند این را استقلال میگویند یعنی خواه یک شخص احد باشد در آن مستملکات خودش که در دست او است آنها را بتواند هر قسمی که خواست آنقسم او را استعمال نماید و هکذا هیئت اجتماعی و دولت هم همینطور است دولت وقتی مستقل شده میشود که تمام آن مستملکات خود را و تمام آنچه را که دارا است آزادانه بتواند حفظ کند و اگر یک مختصر رخنه بآن داده شد آن شخص یا دولت بتواند آنرا حفظ کند اینرا استقلال میگویند که اگر بر آن اختیارات یک مختصر صدمه و یک مختصر لطمه وارد یابد بتواند بگوید که این شخص آزادی مرا از دست گرفته است عرض کردم در چهار صد سال یا پنصد سال قبل این مسئله را در دنیا ختم کردند که هیچکس و هیچ دولتی حق ندارد که این اختیار را از آزادی را از دست کسی بگیرد مگر اینکه همان عادت دو هزار سال قبل را شروع کنند در اینجا حس میشود اینرا یک وقتی تشکیل حکومت داد که میتوانیم بگوئیم در دنیا هیچ هیئت اجتماعی ملتفت نشده بود که باید برای نظم و این ترتیبات یک هیئت اجتماعی قرار داد یعنی هیچکس ملتفت نشده بود شش هزار سال قبل را عرض نمیکنم بنده عرض میکنم و حتی ایران تشکیل شده است که بنای همین نظم و این ترتیب را در دنیا گذاشته است که هیچکس ملتفت این مسئله نبوده و همان دولت باقی است تا امروز و امروز می بینیم که بعضی تقاضا ها شده است که این تقاضا همانفای و مخالف است با آن عهدی که قطع شده است در عالم و تمام مواضع را عرض نمیکنم و نمیکندم برای سایر آقایان که وقت خیلی تنگ است و رفقای من خواهند مذاکره کرد یک یکی از مواضع این بسود که اگر دولت ایران بخواهد مستخدم بگیرد باید برضای دولتین روس و انگلیس باشد اگر رضای نشدند نیاوردند خوب در این عالمی که میبینیم این اندازه امور تجارت و اخذ تروت و امور و مال و ملک این اندازه ارتباط یکدیگر پیدا کرده است و اگر کسی در حفظ آزادی و استقلال و منافع خود یک مختصر رخنه ببیند حق دارند بگویند که این منافع با آن عهدی است که بسته شده است و بنده هم از طرف ملت که این حق را از برای خودشان از چندین هزار سال قبل تا بحال ثابت میدانم عرض میکنم که ما تا امروز مستقل بوده ایم باین معنی که در حفظ حقوق خودمان و در ترقی مملکت

خودمان به بینم در حال ما اگر این تقاضاها قبول کنیم مثل در تمام احوال که با تمام دولت داریم هیچوقت نشده است که در استقلال مملکت خودمان این است که بر همان استقلال مایه زخته وارد میآورد یعنی ما را نمیکندند که از برای ترقی مملکت و استقلال خودمان یک فکری بکنیم و یک ندادن کی بکنیم این است که با کمال جسارت با کمال مؤذرت و با کمال رو کشادگی بدولت هم جوار خود عرض میکنم هیچوقت ممکن نیست که یک مدتی خودش را حی تصور میکند و خودش را زنده تصور میکند و تمام عالم زندگانی او را تصدیق کرده اند هیچوقت ممکن نیست که تصدیق بکنند که من امورات خودم را باید واگذار دیگران واگذار کنم پس بنده آخر عرض خودم عرض میکنم و شرح مطلب را بر قفا و امیکندم که چون این تقاضا ها با استقلال ایران بر میخورد در این هم هیچ شک نیست که هیچوقت ممکن نیست باختیار دولت ایران این تقاضا را قبول بکنند و یقین دارم دولت روس با آن محبت و ودادی که بایران دارد و در استحکام او همیشه میکوشند ملتفت هستند و البته ملتفت خواهند شد که این تقاضا ها منافای است با آن عهدی که بسته شده است و با آن تصدیق هائی که در باره استقلال ایران کرده اند که خدا دولت مستقلی است و امیدوارم این را پس بگیرند و ملت ایران را از خودشان آزاده نکنند و البته وزیرای محترم هم با ملت و مجلسیان همراهی خواهند کرد که این تقاضا را دولت روس پس بگیرند و ملت ایران را آزاده نکنند .

حاج شیخ الرئیس - بنده پیش از این که داخل موضوع شوم و رای خود را عرض کنم که اگر در ضمن رای دادن مخالفتی برای وزراء شود (این را ابدأ یعنی تماشاجها و الا و کلا مانفت هستند و همه میدانند)

رئیس - ما کار تماشاجی نداریم .

حاج شیخ الرئیس - بنابر این با کمال آزادی عرض میکنم که چون تمام این موادیکه دولت امیر اطور پیشنهاد کرده اند قبول تمام این تقاضاها رخنه بنام استقلال ایران وارد می آورد و استقلال ما را متزلزل میکند خواهش و درخواست میکنم که هیئت وزراء تا نایباً داخل مذاکره شده شاید یک ترتیبی در تسویه این موادی که تقاضا شده است بدهند که اسباب تسهیل شود و رخنه با استقلال ایران وارد نیاید

رئیس - اینکه تماشاجی را فرمودید عرض میکنم که و کلاه برای تماشاجی ها حرف نمیزند چه باشند چه نباشند فرق نمیکند .

سلیمان میرزا - آقای آقا شیخ محمد شری در موضوع استقلال فرمودند که دیگر محتاج بتکرار نیست بنده عرض میکنم که این استقلال مملکت چیزی نیست که حق ماها باشد که ما بتوانیم او را از دست بدیم باز مختصری از آن صرف نظر نمائیم این حق اعقاب ماها است که بعد از این در این مملکت نشو و نما خواهند کرد بنابر این نه ما نه اشخاصیکه در آب و خاک حالا زندگی میکنند نمی توانند که چنین اقدامی را بکنند که با استقلال مملکت رخنه وارد بکنند زیرا که اعقاب ما که هزاران مجلد دیگر در این آب و خاک زندگانی خواهند کرد این حق را دارند حق عموم مردم و اشخاص است که بعد از این خواهند آمد پس چیزیکه منافای باشد باین اساس که حق

هم ملت است هیچکس نمیتواند در او خللی وارد کند یاد استقلال او حرف بزند و بگذرد تصور بکنند و رضای باشد بنده شخصاً با سایر رفقایم در تمام این مطالب ترجیح میدهم طرف استقامت را و در کارها پایداری و ثبات را بهتر از هر چیزی میدهم هلی الخصوص نسبت بجیزهائیکه راجع بعموم ماها است حالا داخل میشوم در مواد این تقاضا اول عزل مستر شوستر و لنگر و سایر اشخاصی را که دعوت کرده اند مطابق ماده دوم باشد در یک مملکتی که شروع بترقی میکند و میخواهد کارهایش پیش برود محققاً باید شروع بکند باصلاح اداراتش و یقین حتمی دارد که باید ادارات خودش را اصلاح بکند و بترتیب انتظاماتی که در ادارات خودش میدهد از هر حیث از حیث ماله و از حیث ترتیب نظام و سایر چیزها شروع بترقی بکند و در معنی شروع بترقی و تمدن و انسانیت بکند و از همه ادارات مهمتر و مقدم تر اصلاحات ماله است بعد اصلاح قشون و نظام است زیرا که هر گاه ماله مرتب داشته باشیم میتوانیم سایر اداراتمان را بطور مرتب و منظمی اداره بکنیم امروزه از برای ما چنانچه سابقاً هم گفته شده از برای اصلاح ادارات بهترین راهی که در نظر میآید جلب مستشارها است از خارجه و از برای ماله هم ماستشار هائی خواسته ایم از خارجه چه آمده اند و چه خواهند آمد و از برای هیچکدام از اینها خودمان را محتاج باینکه رضایت کسی را بدست بیآوریم نمیدانم زیرا که دولتی هستیم مستقل و در کارهای داخلی و خارجی هر چه صلاح خودمان را بدانیم آزاد هستیم که از آن قرار رفتار بکنیم و از وقتی هم که این مستشار و سایر مستشار هائی خارجی آمده اند همه آنها با یک جدیدت و صداقتی که وظیفه هر شخص درستکار و هراسان با تریبیتی است در اصلاح ماله کوشیده اند مخصوصاً اداره ماله که در حقیقت با یک اساس مبنی و یک شالوده صحیحی شروع شده است که امیدواری میدهد ما را در آنچه که باین ترتیب ما دارای یک ماله منظم و مرتب صحیحی باشیم بنابر این چگونه میتوانیم رضای بشویم که عزل مستشارها را بخواهیم یا عزل یکی از آنها را بخواهیم در صورتیکه بدستی و صداقت خدمت کرده اند و ملت آن تقاضاها نیکو کرده اند میگویند که مبنی است که از طرف خزانه دار کل نسبت بدولت بپه روجه شده است اینهم بنظر نمی آید که چنین توهینی باشد این یک ادعائی است که پس از آنکه به ثبوت برسد در یک محکمه عالی ثابت شود آنوقت باید یک ترتیب اثری بر او بشود در اینصورت نمیتوانیم تکلیف اول را قبول کنیم تکلیف دوم خیلی سخت تر و استقلال شکسته است تراست از ماده اول زیرا که ما باید مطابق آن تکلیف متعهد و متضمن بشویم که بعد از این هیچ مستخدمی قبول نکنیم از برای اداراتمان مگر آنکه قبلاً رضایت سفارتین تحصیل بکنیم و این چیز فوق العاده است و منافای است با استقلال خارجی ما بنا بر این نمیتوانیم قبول کنیم و باید تقاضا بکنیم از هیئت وزراء که داخل شوند در مذاکرات که شاید بتوانند این مطلب را بر طرف کنند یا تغییر بدهند زیرا که این شرایط استقلال شکنانه است نه

هیئت دولت و نه مجلس و نه ملت هیچکدام نمیتوانند قبول بکنند

مقیم السلطنه - اولاً بدیهی است وقتی که از برای تصفیه این مذاکره داریم خیلی کم است و مجلس از برای مذاکره متصل و نطقهای بزرگتر نمیشود هیچیک از آقایان تردید نخواهند کرد که امروز یک روز تاریخی است و شاید روز بدی هم باشد از برای اینکه این پیشنهادی که شده است که طرف دسیسه کرده است ملل سایر مطالب پلنیکی که پیش حا کم ممکن است که هر دو طرف از برای مملکت خطرناک باشد یعنی فقط حوادث آتی میتواند ثابت بکند که رد خطرناک بوده است از برای این مملکت یا اینکه قبول خطرناک بوده است نمانندگان که سهل است گمان نمیکنم که یک نفر ایرانی بتواند بپذیرد یک تقاضای را که یک جزئی تصور خللی با اساس مملکت در آن برود و دو ثبات قدم هیچکس متزلزل نیست و باید ثابت قدم باشند ولی رأبیکه گرفته میشود عرض کردم که دو طرف خطرناک دارد و ممکنست در یک طرف آن نجات و فلاح این مملکت باشد و در یکی از آنها نکت و بدبختی و باید خیلی دقت کرد آقایان وزراء که در اینجا رای خودشان را پیشنهاد کردند یعنی مصمم که در قبول ممکن است یک آتی بهتری برای ایران دیده شود این کافی نیست باین معنی که هر رأبیکه گرفته میشود اهم از رد یا قبول آن رای و وقتی خوب میدانم که با توافق مجلس باشد یعنی موقفی نیست که بتوان مسئولیت را قسمت کرد و قسمت را بگردن وزراء قرار داد و یک قسمت را بگردن دیگری یا یک قسمتی از آنرا ما بگردن بکنیم باینکه این مسئولیتی است که بگردن تمام ماها است این شرایط دارای موادی است که شدت و ضعف دارد و نمیتوان گفت تمام اینها یک نهج استقلال شکن است ماده اول راجع است به عزل یک نفر مستخدم که بقی یا بناحق صحیح یا غیر صحیح اهم از اینکه چیزی را که نسبت باو مستمسک شده اند را است باینکه راست باشد که خواهش کرده اند و شاید هیئت دولت تصور کرده اند و خوبی آتی مملکت و حفظ استقلال مملکت و روابط حسنه را باین دانسته اند که این را بپذیرند و ممکن است نظریاتی هم باشد که در پذیرائی این مطلب استقلال مملکت نمیرود ولی ماده دوم صریح است و معلوم است که اگر دولت ایران بخواهد آنرا بپذیرد معین است که بعد از این هیچ مستخدمی را نمیتواند از دول خارجه بخواهد مگر با اجازه دولتین روس و انگلیس این محدود کردن اختیارات خارجی است و ممکن است ماها را بجائی دیگر برساند این است تفاوت ماده اول و دوم و هیچ یک تفری نیست که بتواند این دو را در یک کفه ترازو بگذارد و اما وجه خسارت هم البته بدیهی است که موضوع قابل تردیدی نیست که میبایست یک چنین چیزی را خواسته باشند که بهیچوجه ما اسباب آن خسارت نبوده ایم ولی اگر جزئی باشد نیابست چندان اهمیت داده شود نمیتوان گفت که این تقاضا استقلال شکن است پس خیلی لازم این مطالب تشریح شود یعنی باید گفته شود اینها از چه نقطه نظر استقلال شکن است تمام این مواد استقلال شکن است یا بعضی از اینها نظر بنده و یک جمعی از نمایندگان محترم همین بوده که اگر نتوان

تجزیه کرد یعنی یک قسمت رد و یک قسمتی قبول شود بهتر باشد و الا چنانچه آقای سلیمان میرزا در اینجا فرمودند بهیچوجه در این مباحثات و مذاکرات شك برای ما نیست که نمیتوانیم رأی بدیم که خللی با استقلال ما وارد بیآورد این حق را هیچکس ندارد ولی ممکن است بواسطه این رأبیکه ما امروز میدیم تصور بشود که این عمل را مرتکب شده ایم یا نه با هست رأبیکه الان میدیم چنانچه ظاهر آید میشود صاف است با نگاهداری استقلال مملکت و مخالفت آتی ممکن است صدمه با استقلال مملکت وارد بیآورد و اتفاقات آتی خلاف او را آشکار کند البته آنوقت معلوم خواهد شد که این رای استقلال شکنانه بوده است و چنانچه عرض کردم عقیده اینست که اگر بتوان بعضی از قسمتهای این پیشنهاد دولت روس را که تصدیقاً با استقلال دولت ایران بر نمیخورد بپذیرد و در سایر مواد بطور حتم مقاومت کرد گمان میکنم این رای رأی صحیحی است که میتواند در آتی اسباب نجات و فلاح این مملکت بشود و بنده یک پیشنهادی بهمین مضمون کردم اگر آقایان نمایندگان غور کنند و صلاح آتی مملکت را میدانند گمان میکنم قبول بفرمایند .

میرزا یانس - چنانچه خاطر محترم نمایندگان مسبق است بنده از روزیکه بای بسیاسات این مملکت گذاردم یک مسلک خیلی واضعی داشتم که در مرادات خارجه هر دولتی که با ما ادعائی دارم از نظر شری نریم بآن ادعا نظر بکنیم و بنظر حقانیت نگاه بکنیم اگر حق دارد در آن ادعاه در کمال سببیت ادعا بکنیم و اگر حق ندارد در آن ادعاه با کمال استحکام و اثبات قدم باستیم امروز چنانچه آقایان فرمودند روز تاریخی بزرگ است برای ایران و این تقاضاهائی را که جلو ما گذاشته اند که رد بکنیم یا قبول از این نقطه نظر حقانیت یعنی وقتیکه بنده ملاحظه میکنم می بینم که حتی که ماداریم با اجازه نمیدهد که آنها را قبول بکنیم بنده میتوانم یک قدری تصدیق بکنم آنچه آقای متین السلطنه فرمودند که ماده اول استقلال شکن نیست ماده اول دو قسمت دارد یک قسمش شاید آنطور باشد که فرمودند ولی یک قسمت دیگرش تصدیق یک معااهده را میخواهد که مواد آن معااهده با استقلال مملکت منافات دارد و ماده دوم بعد دو رای گمان نمیکنم در مجلس باشد که یکی استقلال شکن است و ماده سیم یا ششم است که استقلال شکن نیست ولی اگر از روی نظر حقانیت نظر بکنیم ما ابدأ تقصیری نکرده ایم که یک غرامتی بدیم چون شخص باید یک تقصیری بکند تا غرامت بدیم یک چیزی هم آقای متین السلطنه فرمودند بنده باید مجبوراً دو کلمه جواب عرض بکنم چون فرمودند بعضی از آنرا قبول کنیم چون بنده میدانم وضع اولتجاتوم تجزیه پذیر نیست باینجهت داخل آن مذاکره نمیشوم و باید مذاکره در او جماعاً بشود بوضع جمعی اگر مذاکره شود گمان نمیکنم کسی باشد که بگوید ملاحظه استقلال مانده است و بطور جمعی که نظر میکنم می بینم بموجب این تقاضاها استقلال ما را میخواهند از ما بگیرند حالا باید به بینم چه چیز است استقلال و تا بچه اندازه حق داریم در وقت ان اعضاء بکنیم بنده گمان میکنم و گمان میکنم هر کسی هم که

تاریخ خوانده است در این گمان بنده باینده همراه خواهد بود که قیمت استقلال یک مملکت مساوی است با قیمت حیوة تمام افراد آن مملکت این قیمت استقلال مملکت است بعد حالا به بینم مال گیس این استقلال همانطوریکه آقای سیدیان میرزا فرمودند این استقلال نه مال ما است نه مال آنها است که بنا داده اند نه مال آنهاست که بعد از این خواهند آمد بلکه مال تمام آنهاست از شش هزار سال پیش از این با استقلال ما بوده است و تا شصت هزار سال دیگر هم باید باشد بنده عرض میکنم خوب بنظر فلسفی گذاریم مسئله نظر بکنیم این یک چیزی نیست که مال ما باشد تا بتوانیم از رفتن آن حرف حرفی بزنیم اینهم مسئله دوم است مسئله دیگر هم هست بنده که یکی از محترم ترین نمایندگان محترم که اینجا نشسته اند خود را میدانم یاد دارم در روزیکه وارد شدم جلوه من میز مرا معجز گردند یک قسمی یاد کردم و در آن قسم من گفتند قسم خودم که با استقلال مذکرت خیانت نکنم من اگر آدم با شرفی باشم نمیتوانم مخالف با آن رفتار بکنم این یک چیزی است که از قدرت من خارج است بنده با کمال احترام نسبت بآن دولت همسایه که این پیشنهادها را کرده است جواباً عرض میکنم که یک چیزی را از من خواسته اند که نه مال من است و نه میتوانم بشما بدهم .

حاج عزالملك - بنده اول شکر میکنم از اینکه حقیقتاً حق دارم در حفظ استقلال مملکت خودم اظهار عقیده بکنم تقاضا های دولت روس شامل سه مطلب اساسی است ز اول عزل مستر شوستر و لنگر دوم اینکه استخدامی از خارجه نشود مگر برضایت سفارتین سوم ادای معاوضه عسکر کشی بنده کاملاً موافق هستم که همیشه دولت ایران با دول همجوار مناسبات خودشان را محفوظ داشته و در هر موقع سعی در حفظ روابط آنها بنماید ولی بدبختانه و بطور کلی به نظر بنده باین مواد نظر بشود بطور وضوح می بینم که این مواد منافای با استقلال مملکت است بلکه بنده حتم و یقین دارم که هر ایرانی در این عقیده ثابت است که تصدیق این مواد منافای با استقلال این مملکت است اگر از مذاکرات کلیات بگذریم و داخل مواد شویم می بینم که هر یک از مواد معالی است صدمه ببقیه بنده قابل قبول نیست چون آقایانیکه قبل از بنده اظهارات کردند بعضی تمام مواد و بعضی دیگر از آن مواد را تشریح کردند بنده فقط ماده دوم را تعقیب میکنم و عقیده خودم را در آخر اظهار خواهم کرد دولت هلیه ایران همیشه در امور خارجه داخله خود مستقل بوده و هیچوقت نمیتواند در امور خود نظارت دولتی را قبول کند و بهمین نقطه نظر بوده است که دولت ایران هیچوقت لفظ دولتین را نشناخته و نباید بشناسد و هیچوقت یک دولتی را ترجیح بر دولت دیگری ندیده است و بهیچ دول بیك نظر نگاه نمیکند اما اینکه گفته شد در آن دو نقطه نظر هست که ممکن است هر دو استقلال مملکت را معز کنند و گویا این محل اختلاف است باید این را تشریح کرد زیرا تصدیق این ماده بر هیچیک از آقایان شبهه نباشد قول این مواد که تصدیق مع و استقلال مملکت ماست بدست خودمان زیرا اگر تصدیق کردیم دیگر

جای حرفی وانگاری برای آستامات ما باقی نخواهد بود زیرا خودمان تصدیق این عقیده را کرده ایم و استقلال خودمان را از دست داده ایم پس بنده با یک عقیده ثابت چون میدانم تمام موکلین خودم و تمام ایرانیها با من هم عقیده هستند این پیشنهاد را بمجلس شورای ملی تقدیم میکنم و از هیئت دولت تقاضا میکنم با کمال صمیمیت از این تقاضای دولت روس مندرت بخواهند و داخل ترتیبات دیگری بشوند.

رئیس - آقایانیکه اجازه خواسته بودند همین آقایانی بودند که تعلق کردند و ظاهراً مذاکرات کافی باشد (تصدیق کردند)

حالا پیشنهاد هائی که شده است قرائت میشود (پیشنهاد حاج هزالمالک بعبارت ذیل قرائت شد) :

مجلس شورای ملی پس از اصفاء و اظهارات هیئت وزراء نظر باینکه تکالیف دولت روس را منافی استقلال مملکت میدانند از قبول آن منصرف بوده بهیئت دولت تکلیف میکنند که برای تغییر تکالیف مذکوره داخل مذاکره شود و مذاکرات مطالب مطرح شده را ختم نماید. از طرف آقای متین السلطنه بعبارت ذیل قرائت شد :

مجلس شورای ملی پس از اصفاء اظهارات هیئت وزراء نظر باینکه قبول تمام تکالیف دولت روس را منافی استقلال مملکت میدانند از قبول آن منصرف بوده بهیئت دولت تکلیف میکنند که برای تغییر تکالیف مذکوره داخل مذاکره شود و مذاکرات مطالب مطرح شده را ختم مینماید .

رئیس - چنانچه آقایان ملتفت بودند پیشنهاد اولی راجع برد تمام تقاضاهائست که بنده پیشنهاد ثانوی که آقای متین السلطنه کرده اند راجع بتجزیه است که بعضی از آن تقاضاها قبول شود آقایان وزراء در اینباب اظهاری دارند .

وزیر امور خارجه - خیر .

رئیس - چون باید در این پیشنهاد برای بگیریم باید اول در پیشنهاد راجع بتجزیه برای بگیریم باینجه این پیشنهاد دوم تر به قرائت میشود (پیشنهاد متین السلطنه دوم تر به قرائت شد) .

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام نمایند (بعضی قیام نمودند) .

رئیس - قابل توجه نشد یعنی رد شد - رأی میگیریم پیشنهاد آقای حاج هزالمالک که راجع است برد تمام سه فقره - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند و تصویب میکنند قیام نمایند . چر چند نفر تمام نمایندگان قیام نمودند .

رئیس - تقریباً با اتفاق این پیشنهاد قبول شد یعنی تمام آن سه فقره تقاضا رد شد چون نزدیک ظهر است مطلبی نیست بمجلس را ختم میکنیم (رئیس حرکت کردند و مجلس ختم شد) .

جلسه ۳۳۰

صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۳

ذی حجه ۱۳۲۹

مجلس نیم ساعت قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک افتتاح شد .
 صورت مجلس روز جمعه هم را آقای میرزا رضا خان ثانینی قرائت نمودند .
 اسامی غائبین جلسه قبل - بدون اجازه آقایان

حاج آقا - لواء الدوله - حاج امام جمعه - فرزانه مریش - آقا سید محمد باقر ادیب آقا محمد بروجرندی رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد (در این موقع آقای رئیس قیام فرموده و صوم حضار نیز بر حسب دعوت ایشان قیام نمودند .

رئیس در این موقع که بنده قیام صکرده و آقایان را هم دعوت بقیام نمودم نه برای این است خیر وحشت اثر فوت مرحوم آیت الله خراسانی را به آقایان عرض کنم بایشان بگویم که بعالم اسلامی یک مصیبت بزرگی وارد آمده است غیر غرض بنده دادن این خبر دل خراش نیست زیرا که آن شخص بزرگ از آن اشخاصی نبود که رحمت وفوت او مثل صدای رعدی اثر نکند و بژمرده گی و افسرده گی که در حال آقایان مشاهده میکنم بهترین گواهی است که در حقیقت امر مسیوق هستند از اثرات وخیمه این فاجعه عظمی غمت آقایان چه عرض بکنم که از بنده بهتر میدانند وجه بگویم که بر معلومات ایشان افزوده شود اگر عرض کنم که رکن اعظم مملکت ما بفقدان آن شخص بزرگ کم شده است کم گفته ام و اگر عرض بکنم بواسطه رحلت این شخص بزرگ صدمه و مصیبت عظمی به مملکت و مشروطیت و ملیون وارد آمده است نتوانست ام بطور کامل احساسات خود را بیان کنم آقایان هم نباید منتظر باشند که بنده شرح و بیان صفات آن شخص بزرگ را توضیح بکنم بنده این جرأت را ندارم برای اینکه صفات این شخص بزرگ طوری است که لسان بنده از بیان آن عاجز است و قدرت این جسارت را هم ندارم زیرا که مترسم اگر بخواهم صفات یک چنین شخص بزرگی را بیان کنم بواسطه عجزی که دارم مترسم از صفات آن مرحوم کاسته شود فقط یک چیزی را میخواهم بگویم سکه از گفتن آن نمیتوانم حرف نظر کنم و آن این است که این شخص بزرگ بایک ثبات قدم و عزم راستی که معجز العقول بوده در پیشرفت و اهلائی کلمه حقه پیش قدم بوده و هر گونه صدمات و لطمات را برای پیشرفت و ابقای این کلمه حقه متحمل شد تمام هم و غمش برای استقلال مملکت و پیشرفت مقاصد اسلامیت و مشروطیت بود در همین راه زندگانی کرد و در همین راه هم مرد از مادر این نوع چه بر میآید بغیر از اینکه سوگواری و تعزیه داری کنیم لهذا بنده بنام ملت بمجلس شورای ملی تکلیف می کنم که این جلسه را بعلاصت تعزیه داری ختم کرده و از روز شنبه تاروز سه شنبه در مسجد جنب مجلس مشغول تعزیه داری و سوگواری باشیم در این موقع آقای رئیس و سایر نمایندگان با حالت سکوت از مجلس خارج شده و جلسه یک ربع قبل از غروب ختم شد .

جلسه ۳۳۱

صورت مشروح روز دوشنبه ۲۶ شهر

ذی حجه الحرام ۱۳۲۹

رئیس آقای مؤتمن الملک بکسات و نیم قبل از غروب بکرسی ریاست جلوس نمودند پس از یک ربع مجلس تشکیل گردید صورت مجلس روز پنجشنبه (۲۲) را آقای آقا میرزا رضا خان قرائت نمودند .

(غائبین جلسه قبل) آقایان : وحید الملک

دکتر امیر خان - آقا سید محمد رضا - حاج آقا - میرزا علی اکبر خان - نیر السلطان - لواء الدوله - آقا میرزا ابراهیم قمی - حاج امام جمعه - آقا سید حسن مدرس - دکتر حاج میرزا رضا خان - علی زاده - دکتر سید الاطیاء - فرزانه - کاشف - میرزا بانس - حسنعلی خان - بدون اجازه - آقایان : حاج میرزا رضا خان - حاج سید نصرالله - با اجازه غائب آقایان میرزا داود خان دکتر طریخان - آقا سید محمد باقر ادیب مریش بودند

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی نیست (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد آقای رئیس الوزرا مرقومه بینه نوشته بودند و خیلی مایل بودند که در این جلسه خودشان هم تشریف داشته باشند ولی این که تشریف نیاوردند بجهت این بود که مبتلا بنوبه شده بودند و آقای قوام السلطنه را بسمت وزارت داخله معرفی صکرده اند - غرض از تشکیل این جلسه این بود که آقایان وزراء مطالبی داشتند که لازم بود بمجلس شورای ملی اظهار شود مطالب هیئت وزراء آقای وزیر امور خارجه عرض خواهند کرد .

وزیر امور خارجه -

غرض از اظهاراتی که امروز خواهد شد اینست که در وضع امر روزی این مملکت یک مذاکراتی بشود با حضور نمایندگان محترم در مجلس هلنی که مشهودی از ملت هم باشند و بالاخره یک تصمیمی در این مسئله مبتلا فقلی گرفته شود مقدمه عقیده بنده اینست که بعضی معایب امروز بطور وضوح باید بگوئیم و ملاحظه هم نباید بکنیم در این مطلب که بگوئیم نباید معایب خودمان را خودمان بگوئیم چون شاید یک پلستیکی این باشد که اجازه ندهد که خودمان معایب خودمان را بگوئیم ولی از آنجائی هم که بهترین پلستیک ها بپلستیک راستی و صداقت است بهتر این است که معایب خودمان را بگوئیم تا دیگران بدانند که ما ملتفت معایب خودمان هستیم و شاید باین واسطه هم امیدوار شوند که در صدد رفع معایب خودمان هم هستیم و برای این مطلب بنده بعضی از حالات و اوضاع حاضر را باختصار شرح میدهم اولاً آقایان باید بدانند که امروز وضع مملکت بهتر از آن روزیکه کابینه حاضر یعنی آروزیکه آقای صنصام السلطنه زمام امور را در دست گرفته بودند نیست بلکه اگر دقت کنیم وضع امروز خیلی بدتر از آن روز است برای این که اولاً محمد علی میرزا که آنروز وارد شد در گمش تپه آقایان میدانند که چقدر ما را در اضطراب انداخت تمام قوای خودمان را جمع کردیم و واقعاً یک اتفاق و اقدامی کردیم که تا یک اندازه رفع شد و جلوگیری از اوشد فعلاً در چنگ ایران است و شاید در یک موضعی است که نزدیک تر از گمش تپه است و شماع السلطنه هم آمده است باستر آباد و استر آباد در تحت تصرف است تر کمانها که مواخواه محمدعلی میرزا و شماع السلطنه بودند از دامغان گذشته اند و بسمت سمنان حرکت کرده اند سالار الدوله هم که دولت با آن زحمت و مزارت او را قلع و قمع کرد فعلاً هودت کرده است و در کرمانشاه است و کوس با بقبری میزند و صند خان را هم میدانند که مدتی است در تبریز است و